



۱۱ دقیقه زمان تقریبی مطالعه نشریه



## جادوی میرنیا

مهدی مشایخ  
دبیر انجمن اسلامی



پیشنهادات و انتقادات شما را نقاشا  
خریداریم.  
راه‌هاک ارتباط با ما:

@anjomanumz

@anjomanumz



۱۱ دقیقه زمان تقریبی مطالعه نشریه

با نغمه افشار بارکدخوان  
عکس (بارکد) حقوق را  
اسکن کنید و به صورت  
مستقیم از مطالب و دستاویز  
کنال تلگرامی انجمن  
اسلامی مطلع باشید  
بجای صبرانه منتظر شما هستیم.

استشخاص با مدرک های آیکی جذب دانشگاه شده اند و عده ای هم چون در بدنه ی دانشگاه آشنایی نداشتند پشت درهای دانشگاه مانده اند. این موضوع حتی در سطح دانشجویان هم سرایت کرده است، به طوری که عده ای دانشجویان نما یا سوء استفاده از راست و ارتباط حسنه با حوزه ی ریاست، سود های کلانی را به جیب زده اند و با روکش علمی بودن خود را در میان دانشجویان مطرح نموده اند.

استخدامی های مازاد بر نیاز دانشگاه که به دلیل جاتیاز بودن پیدران آن ها وارد دانشگاه شدند، اکنون در حراست مشغول به کار هستند که این مورد نیز در نوع خود از بزرکات مدیریت دکتر میرنیاست.

بدون تردید نقش پررنگ دکتر میرنیا در این موارد را نمی توان انکار نمود؛ چراکه اگر نیس دانشگاه با کوچکترین فساد و راست در دانشگاه واکنش نشان می داد و برخوردی سخت با افراد فاسد و راست خوار می داشت، دیگر شاهد فساد های کلان در سطح دانشگاه نبودیم نتیجه ی این موضوع از دو حالت خارج نیست: یا شخص ریاست دانشگاه نیز در این موارد دست داشته است (که به نظر می رسد اینگونه نبوده) و یا ایشان در مدیریت و کنترل اطرافیان خود در دانشگاه ضعف داشته اند و یا به عبارتی قدرت ماورایی مدیریتی ایشان که بر سر زبان هاست، امری واهی، بلکه به دور از واقعیت می باشد.

بدیهی است که توان مدیریتی یک رییس دانشگاه، فقط منحصر در پروژه های عمرانی نیست و موارد بسیار دیگری از قبیل ایستادگی در برابر راست خواری بدون اعمال سلیقه، جلوگیری از فساد، تحمل حرف های منتقدین و مخالفان و ایجاد فضای آزاد سیاسی را شامل می گردد. دکتر میرنیا در نهایت خود را به عنوان مدیری کارآمد و جامع معرفی کرده است که با کمی دقت و بررسی در عملکرد ایشان نسبت اطرافیان سهم خود خواهد، ناتوانی در مدیریت را ضعف شاخص ایشان می بایم

با تصویب قانون منع به کارگیری بازنشستگان عملاً وزارت خانه ها ناچار به اجراء آن در بدنه ادارات و مجموعه های تحت مدیریت خود شدند که وزارت علوم نیز از این امر مستثنی نیست. حوزه ی ریاست دانشگاه دانشگاه مازندران که یکی از مجموعه های زیر نظر وزارت علوم است نیز شامل این قانون گردیده است.

دکتر سید خلاق میرنیا مدیر بازنشسته و خستگی ناپذیر در بخش پروژه های عمرانی طی سه سال اخیر ریاست دانشگاه مازندران را بر عهده داشته است که با اجراء قانون منع به کارگیری بازنشستگان، می بایست صندلی ریاست را رها کرده و بر صندلی منزل خود تکیه دهد اکنون این مهم به سرانجام رسیده است و در نهایت دکتر سید خلاق میرنیا از ریاست دانشگاه کنار گذاشته شد.

در طول سه سال گذشته، دکتر میرنیا اقداماتی انجام داد که بیشتر از او به عنوان مدیر عمرانی یاد می شود. بررسی این موضوع که آیا شروع پروژه های چند ده میلیاردی در این زمان نیاز دانشگاه مازندران بوده است یا خیر، در مقال تکمجد.

میخواهیم در این نوشته به دیگر جهات ریاست دکتر میرنیا بپردازیم و ببینیم که آیا سید خلاق میرنیا در سایر جهات مدیریت خویش موفق بوده است یا خیر؟!

باید پذیرفت که سیاست ایشان در جلوه دادن شرایط دانشگاه طی سه سال گذشته، و البته کنترل فضای سیاسی دانشگاه و برخورد با مخالفان و منتقدان در نوع خود ستودنی است که می توان از این سیاست با عنوان جادوی میرنیا یاد کرد.

با نگاهی گذرا به یک سال گذشته ی دانشگاه مازندران در خواهیم یافت که افرادی در دانشگاه با بهره گیری از امتیاز آشنایی و یا ارتباط حسنه با ریاست دانشگاه، با پول کلانی به جیب زده اند و یا خانوادگی در دانشگاه مشغول به کار شده اند.

به عنوان مثال جنبی های هیات علمی را که مورد بررسی قرار می دهیم متوجه راست و پارتی بازی هایی خواهیم شد که عده ای از

## دانشجو بمانیم

سکینه بلیلی  
دبیر فرهنگی انجمن اسلامی



بطور کلی دشمن روی جوان سرمایه گذاری زیادی میکند؛ عدهای را به بی تفاوتی می کشاند، و عدهای را دلبرد میکند. بزرگترین آفت جوان است. تا وقتی در وجودتان انگیزه و نشاط برای تحرک و سازندگی اسلامی هست، به آینده خوشبین باشید!

نسل دانشجو، بایستی هم وجوه ممتاز و هم نقطه ضعف خود را بشناسد؛ که به برخی میپردازیم:

- ارتباط فرهنگی با مراکز فکر و اندیشه، مزیتی است که دانشجویان آن برخوردار است و گاه او را در معرض آسیب قرار میدهد. سیاستمداران هواپرست، احزاب قدرت طلب و مکاتب انحرافی، بیشترین طعمه ی خود را از این قشر میگیرند.

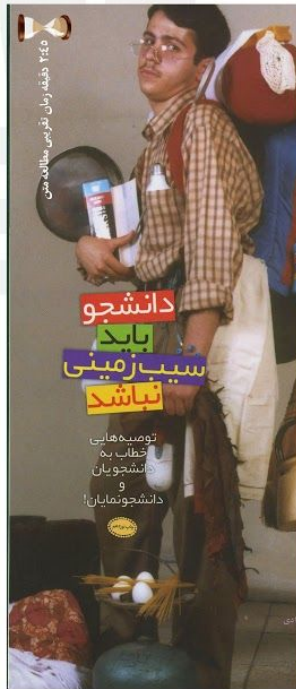
- مدرک گرایی و توجه به زندگی مادی و احلام جوانی مشکلی است که به علم لطمه میزند. دانشجو که کارش تحصیل علم است، به این سمت رانده می شود که به فکر آینده و اینکه کدام رشته پردرآمدتر است، باشد.

- مشکل اساسی نسل دانشجو در شرایط کنونی، اینست که نمیداند در کدام نقطه از پرگار وجودی جامعه جای دارد. نه خود را می شناسد و نه به نقش خود ایمان دارد. این مشکل، بحران هویت ایجاد می کند و او را در بیچ و تاب اثبات هویت می افکند. به عبارتی عدم درک رسالت واقعی در قبال جامعه، خود و آینده سبب میشود تا دانشجو نتواند که چکاره است و در آینده چه نقشی برعهده دارد.

تشکل های دانشجویی فرصتی برای دانشجو، کار دسته جمعی و کسب مهارت های سیاسی- اجتماعی ایجاد میکند؛ که در این میان، کرسی های آزاداندیشی بهترین محفل برای انجام فعالیت های سیاسی است. فعالیت های سیاسی در دانشگاه یک طرف آن آگاهی است و طرف دیگر آن، جلوگیری از تبدیل شدن دانشگاه به باشگاه سیاسی. دانشجو و دانشگاه باید سیاسی باشند یعنی فهم سیاسی پیدا کنند. این، غیر از دستخوش جریان های سیاسی شدن است. اتفاقاً فهم سیاسی باعث می شود آدم دستخوش این جریانات، و دانشگاه، جولانگاه حرکات سیاسی نشود.

با توجه به آنچه که گفته شد، شاید مهم ترین رسالت جریان دانشجویی همان گفتن ساز باشد که تجربه ی پیشینی آن را جریان دانشجویی با به ظهور و بروز رساندن گفتن استقلال، آزادی و عدالت نشان داده است.

امید است ما افسران جوان جنگ نرم، با بصیرت و استقامتی عمارتونه با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنیم.



کلمه دانشجو از لحاظ بار معنایی، جالب توجه است. دانشجو یعنی جوان طالب علمی که آینده در دست اوست. چون فرض این است که آینده کشور، به سمت اداره علمی و عالمانه کشور پیش می رود و هر جامعه ای که علم و فقه محاسبه دقیق، در همه شوون آن دخالت داشته باشد، وضعیتش بهتر است. این خصوصیات، در کلمه دانشجویست.

دانشجویان، فلسفه ی محوری وجود دانشگاه هستند. با آنان، سلسله ی تعلیم و تربیت نسل فرهیخته ی جامعه تداوم می یابد و آینده ی علمی جوامع رقم می خورد. محیط دانشجویی، بایستی مورد احترام باشد و کسانی که با دانشگاه سروکار دارند، بدانند که در این مجموعه چه کسانی هستند و چه خصال جمعی و ویژه ی دارند. در هیچ جمعی حتی در جمع های جوانی که دانشجو نیستند، این خصوصیات نیست.

در همه ی این سال ها دانشجویان، حضور فعال و مؤثری داشته اند. گفتن ساز بوده اند، فضای فکری ساخته اند، گفتن های سیاسی و انقلابی را در جامعه حاکم کرده اند.

دانشجویان، قشر پیشتاز جوامع هستند. عمدتاً اندیشه های نودر بستر جنبش های دانشجویی شکل میگیرد. علت هم واضح است، هنگامی که روح پاک جوان، با ذهن و فکر روشن ناشی از تحصیل همراه شود، ترکیب فائری به وجود می آورد که همان دانشجو است.

دانشجو، طالب آگاهی است؛ برای حضور خود در دانشگاه، منزلت می بیند نسبت به اوضاع کشور، صاحب عقیده است و می خواهد اظهار نظر کند.

روحیه ی انقلابی در او، سبب میشود تا محافظه کاری و عملکرد گام به گام را نپذیرد؛ دانشجویان بایستی جزو پیشروان و پایه های اصلی انقلاب باشند.

نسلی است، دغدغه مند؛ همین نکته شاخص سلامت روح و روان این نسل است؛ حیات و ممات نسل دانشجویی کشور را می بایست با این میزان سنجید.

کوتاه فکران، سکوت و قعود دانشجویان را دلیل درستی امور می شمردند و گمان می برند که نسل رام و آرام دانش پژوهی، دلیل تثبیت نظام و کشور است؛ بلکه واقع بینان، این خموشی را دلیل آن می دانند که عناصر هشدار دهند از کار افتاده و یا در معرض از کار افتادگی اند.

طبیعت کار و روحیه ی دانشجویی، این است که دانشجو ضد ظلم است، ضد سلطه ی خارجی است، دنبال آرمانهای بزرگ و امیدوار به رسیدن به این آرمانهاست. در واقع حضور قشر جوان، بخصوص دانشجو، موتور محرک یک اجتماع است.



## تناسب افزایش یارانه ها با تورم؟!

نستن خلیلی

عضو فعال انجمن اسلامی



دقیقا هشت سال پیش یعنی در آذرماه سال ۸۹، اولین یارانه ها به مبلغ ۴۵۵۰۰ تومان برای سرپرست های خانوار واریز گردید. طرح واریز یارانه ها به منظور کاهش فاصله طبقاتی در جامعه و همچنین کمک به طبقات ضعیف جامعه، طرح مناسبی بود اما به درستی اجرا نشد.

اشتباهی که در واریز یارانه ها صورت گرفت، جایگیری تمام جامعه در این طرح و همچنین برابری مبلغ یارانه همه اقشار مختلف بایکدیگر بود این کار برای خانوار بسیار ضعیف، فایده کمی داشت و کمکی هم به کم شدن فاصله طبقاتی در جامعه نکرد، بلکه محاصل آن افزایش نقدینگی و افزایش بی رویه تورم بود. اما چاره چیست؟

چاره در پیدا کردن قطعه پازل گمشده این طرح است؛ یعنی هدفمندسازی یارانه ها هدفمندسازی به این معنا که تمام خوار از نظر وضعیت مالی به چند گروه تقسیم شوند (برای مثال همین دهک بندی های صورت گرفته) و به این صورت که واریز یارانه به پایین ترین گروه بیشتر از همه باشد و با حرکت به سمت دهک های بالاتر از مبلغ یارانه واریزی کم شود و در نهایت گروه های بالاتری که اقشار مرفه بوده و نیازی به این سوسپند ندارند در این طرح حضور نداشته باشند. با این کار میتوان به هدف کم کردن فاصله طبقاتی

در جامعه نزدیک تر شده و از فقر اقشار ضعیف نجاتی اندکی کاست. اما چندی است که اخباری به گوش می رسد مبنی بر اینکه برخی نمایندگان مجلس می خواهند پیشنهاد افزایش یارانه ها از ۴۵۵۰۰ تومان به ۹۰۰۰۰ تومان را به مجلس ارائه کنند، که در اینجا نیاز است به دو نکته اشاره شود:

اولا اگر مجددا توزیع یارانه ها به همین منوال و با همان اشتباه اولیه صورت بگیرد، افزایش مبلغ نه تنها درد چندانی را علاج نمیکند، بلکه برخی مشکلات را نیز بیش از پیش خواهد کرد. پس هدفمندسازی از واجبترین واجبات است! ثابا باید خدمت نمایندگان محترم ملت عرض خسته نباشید داشت که با این پیشنهاد، ما را شرمند کردند! با انجام یک حساب سرانگشتی ساده که با نرخ های تورم این ۸ سال که توسط بانک مرکزی ارائه شده است (که البته معمولاً پایین تر از تورم موجود در جامعه می باشد) متوجه می شویم که قیمتتها از سال ۸۹ تا الان، نزدیک به ۵ برابر شده است اما نمایندگان محترم، حتی پیشنهاد دوبرابر شدن یارانه ها را هم ندادند، اند، چه برسد به ۵ برابر شدن آن!..

حال لازم است که به پاسخ این سوال، که شاید برای برخی نیز مطرح شده باشد، پرداخته شود. و آن اینکه دولت از چه منبعی می تواند این مبلغ واریزی یارانه ها را تأمین کند؟!

پاسخ بسیار ساده است! حذف یارانه بر کالا و جایگزینی یارانه نقدی و تخصیص آن به اقشار ضعیف جامعه مهم ترین و ساده ترین آن ها همین راه حل ذکر شده می باشد. این کار بدین صورت انجام می شود که یارانه بر کالا ها حذف شده و احتساب قیمت ها به صورت آزاد می شود و نه دولتی، و یارانه آن کالاها به صورت نقدی به اقشار ضعیف داده می شود؛ که در این حالت اقشار مرفه کالاها را با قیمت آزاد تهیه می کنند اما اقشار کم توان با احتساب یارانه داده شده، عملا مبلغ کمتری برای آن کالا هزینه می کنند. در نتیجه دولت بسیار ساده تر از حالت اول

که یارانه بر کالا بوده، یارانه های نقدی جدید را پرداخت می کند؛ یعنی به راحتی با حذف یارانه ای که بر کالاها تخصیص داده بوده است، می تواند تمام یارانه های نقدی را پرداخت کند. همچنین در این حالت از اقشار مرفه مالیات بیشتری گرفته می شود که در واقع دولت چندین برابر مبلغی را که برای یارانه های وارد بر کالا پرداخت می کند، از همین راه بدست آورده و در پرداخت یارانه های نقدی با کوچک ترین مشکلی هم مواجه نخواهد بود، بلکه به سادگی می تواند یارانه اقشار کم توان را نیز، ۵ برابر کند... برای نمونه بر بنزین، یارانه تعلق گرفته و قیمت آن در حال حاضر لیتری ۱۰۰۰ تومان است؛

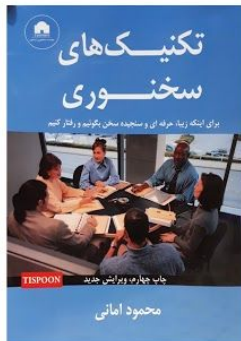
۱۳۰۰ دقیقه زمان تقریبی مطالعه، من



## حرف ای سخن بگوید

سلسله جلسات فن بیان توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران برگزار شد. این جلسات با تدریس استاد محمود امانی طی ۴ مرحله در آمفی تئاتر دانشکده های هنر و معماری و علوم انسانی برگزار گردید.

از همه ی علاقه مندان به این برنامه دعوت می شود برای تهیه کتب مربوطه، به دفاتر انجمن اسلامی واقع در دانشکده هنر و معماری و قسمت اداری دانشکده ی علوم انسانی مراجعه نمایند.



## روز دانشجو

بردشاه حسینی

عضو فعال انجمن اسلامی



پاش خوابیده و گرنه مسئول که از صندلیش تکون نمیخوره. تو همین حس و حال بودیم که خدا رو شکر وسط راه به خودش اومد برگشت و نشست و میکروفون رو بردن برایش و شروع کرد توضیح دادن که این جن ساله کجا بود و چیکار کرد و ما هم با حضور یک پاراگراف مسئول، فقط میتونستیم ساکت باشیم و لبخند بزنیم، علی الخصوص که اون خط آخری هم حضور داشتن. و تو بخش بعدی قرار بود برنامه خودشو برای چند سال آینده توضیح بده حالا مشخص نیست چرا تو سی ثانیه تموم شد، ما که فکر کردیم مراعات سر با استفاده ها رو کرده، شما رو نمیدونم. دیگه بعد از سخنرانی این مسئول نوبت کار ما بود که شروع بشه بالاخره درسته لابلای مسئولین گم شده بودیم ولی باز میزبان بودیم و باید مجلس رو پیش می بردیم. برای همین یکی از بچه ها رفت میکروفون رو گرفت و چند قدم رفت اونور تر و میکروفون رو سپرد به مسئول بعدی که اونم حرفاشو بزنه.

و بالاخره بعد از اینکه میکروفون به دور دست همه جرحید. کار ما شروع شد بچه ها رفتن جلو از همون صف اول که دیگه مسئولین اصلی نشستند بودن. بدون هیچ ترسی شروع کردن تا ردیفای آخر از همه و همه پذیرایی کردن و آخرشم نفری به موز برداشتن که اونم قول دادن سرجاش بزارن. بعد از پذیرایی که بعضی ها خوردن بعضی ها برندن بعضی ها هم خوردن هم بردن، طبق عرف بین مسئولین میکروفون رو از آخرین مسئول با هزار زحمت گرفتیم چون به رسمی دارن که میگه اگه چیزی رو گرفتی راحت پس نده. میکروفون رو سپردیم به یکی از بچه ها که بره بالا دیگه بدون هیچ نگرانی ای میکروفون رو بزاره همون پشت تریبون، چون گفته بودن وقت تمومه برین پی کارتون انتقالدم نگه دارین برای سال بعد.

روز دانشجو با حضور برشور مسئولین کشوری، لشکری، مسئولین بانزنتسته بعد از تصویب قانون منع به کارگیری بانزنتستان، مسئولین بانزنتسته ی قبل از تصویب قانون منع به کارگیری بانزنتستان، مسئولین بانزنتسته ایی که بعد از تصویب قانون منع به کارگیری بانزنتستان باز هم محکم استفاده بودن، مسئولینی که همیشه خریدار بودن و میگفتن قانون کیلویی چنند؟، مسئولینی که مسئول نبودن و مسئول شدن، مسئولینی که خودشون مسئول نبودن ولی باباشون که بود، مسئولینی که باباشونم اگه نبود فک و فامیل مسئول زیاد داشتن و همچنین مسئولین امنیتی و قضایی و زندان ها (با تجهیزات کامل برای رسیدگی خارج از نوبت) برگزار شد و اتفاقا ما هم که دانشجو باشیم اونجا بودیم. به چند نفری که اون ته مجلس که چون صندلی نبود دیگه از روی ادب سرپا ایستاده بودن.

طبق روال همیشه مراسم که شروع شد یکی از همین مسئولین از صندلی جدا شد که بره پشت میکروفون حرف بزنه. اصلا بش نمیخورد مسئول باشه. بچه ها میگفتن تازه کاره. من خودم حس کردم